

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تحلیلی توسط بردلی بلانکنشپ
فرستنده: علی کاظمی
۰۳ می ۲۰۲۳

نقش چین در آتش بس جنگ یمن نباید نادیده گرفته شود

تلاش بیجینگ برای پایان دادن به یکی از وحشیانه‌ترین درگیری‌های تاریخ، شایسته تقدیر است.

هشت سال و نیم جنگ داخلی در یمن این کشور عربی را تکه تکه کرده است.



تخمین زده می‌شود که از سال ۲۰۱۴ حداقل ۳۵۰ هزار نفر در نتیجه جنگ یمن یا به دلیل عواقب آن جان خود را از دست داده‌اند.

از جمله حدود ۸۵ هزار کودک زیر پنج سال که از گرسنگی جان باختند.

زیرساخت‌های اساسی غیرنظامی و زنجیره‌های تأمین روزمره زندگی مردم از بین رفته‌اند، در حالی که بیماری‌های معمولی قابل درمان مانند وبا جان افراد بی‌شماری را گرفته‌اند.

جنگ عمدتاً بین دولت رشاد العلیمی یمن که در سال ۲۰۲۲ جایگزین دولت عبدربه منصور هادی شد و جنبش مسلح حوثی بود.

زمانی که عربستان سعودی در سال ۲۰۱۵ با حمایت از هادی – و بعداً از العلیمی – در جنگ نیابتی بین ریاض و تهران درگیر شد، این درگیری به طور قابل توجهی تشدید شد، در حالی که شایعه شده بود ایران از حوثی‌ها حمایت کرده است.

برخی از اولین خاطرات من به عنوان نویسنده و مجری در رادیو کالج، صحبت با قربانیان آن جنگ و شنیدن وضعیت آنان بود .

خوشبختانه، اکنون اینگونه به نظر می رسد که این جنگ ممکن است به پایان برسد .
رسانه های امریکائی در ۶ اپریل گزارش دادند که آتش بسی بین جناح های درگیر توافق شده است که انتظار می رود حداقل تا پایان سال جاری ادامه داشته باشد .

سپس، در ۷ اپریل، خبرگزاری لبنانی المیادین گزارش داد که ریاض شورای اجرائی رئیس جمهور یمن را از تصمیم خود برای پایان دادن به جنگ و بستن پرونده یمن یک بار برای همیشه مطلع کرده است .

گزارشی از رویترز این خبر را تأیید کرد و همچنین در آن گفته شد که نمایندگان سعودی برای مذاکره درباره «آتش بس دائمی» به صنعاء پایتخت یمن سفر خواهند کرد .

و در واقع، آن صحبتها در ۱۴ اپریل پایان یافت و گمان می رود ادامه یابد. با توجه به این وضعیت، می توان انتظار داشت که گرم شدن روابط ایران و عربستان منجر به پایان درگیری ها در یمن و سوریه شود .

مهمتر از همه این است که این جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده بود که قول پایان دادن به درگیری یمن را داده بود اما درست خلاف آن عمل کرد و این جمهوری خلق چین بود که زمینه را برای رسیدن به این دستاورد بزرگ دیپلماتیک فراهم کرد.

و این واقعیت حتی از دید مفسران امریکائی نیز پنهان نماند، زیرا رسانه های مانند The Intercept که به تعداد زیادی از کارشناسان سیاست خارجی استناد می کنند، چین را عامل اصلی رسیدن به این توافق می داند .

مقایسه بلایای جنگ ها با یکدیگر دشوار است، اما در طول سال ها با قربانیان درگیری، از جمله آخرین پناهندگان اوکراینی و افغان ها، سوری ها، یمنی ها و دیگران صحبت کرده ام .

این جنگ بدون شک یکی از وحشیانه ترین و همه جانبه ترین جنگ های تاریخ معاصر بود، و با این حال تقریباً به طور کامل برای نزدیک به یک دهه در معرض دید اکثر رسانه های غربی قرار نگرفت .

واشنگتن – که قول پایان دادن به مناقشه را داده بود – با وجود تمام سرمایه دیپلماتیک و پیوندهایش با خاورمیانه، به نوعی توانسته است آنقدر با صلح مخالف کند که حتی دشمنان دیرینه مانند ایران و عربستان عطای امریکا را به لقایش بخشیدند و بر سر میز مذاکره حاضر شدند .

و اکنون، همانطور که وال استریت ژورنال اخیراً گزارش داده است، ویلیام برنز، رئیس سیا، «نامیدی» خود را از نزدیک شدن ریاض به رقیب منطقه ئی خود، ایران ابراز کرده است .

ظاهراً ایالات متحده از بارش قطعنامه هائی که در آن فقط صحبت از صلح و همکاری می شود بشدت نگران است و توان درک اتفاقاتی را که در حال افتادن است ندارد به خصوص که عربستان سعودی یکی از بزرگترین وارد کنندگان تسلیحات امریکائی به جای جنگ اکنون بر سر میزه مصالحه می نشیند .

در واقع در پس این ناامیدی احساس از دست دادن بزرگترین مشتری سلاح های مرگبار نهفته است. هر کسی که اطلاعاتی از سیاست ایالات متحده – و به ویژه سیاست خارجی ایالات متحده دارد – می داند که پول کلان نیروی غالب و تعیین کننده است .

از نظر سیاست خارجی، این کشور ترکیبی از مجتمع نظامی-صنعتی است که با جنگ و نفرت رشد می کند و صلح برای رشد و تجارتش مضر است .

و بنابراین اربابان این مقامات و سیاستمداران امریکائی – افرادی که بودجه کمپین های انتخاباتی آنها و/یا کمپین های کارفرمایان آنها را تأمین می کنند – احتمالاً از صلح و مذاکره عصبانی خواهند شد.

چنین واکنشی توضیح می دهد که چرا دیپلماسی امریکا اساساً با صلح مخالف است .

ایالات متحده برای حدود سه دهه – و با احتمالاً حتی بیشتر – درگیر جنگ های متعددی در خاورمیانه بوده است .

در طول این دوران طولانی سیاست خارجی ایالات متحده به «شرکای» خود در آن منطقه، سودی نرسانده و فقط جیب آنها را خالی و جیب لابی و تولیدکنندگان نظامی و تسلیحاتی را پر کرده است .

حقیقت این است که ایالات متحده تخم درگیری و جنگ را در منطقه کاشت، به آنها دامن زد، آنها را گسترش داد و به معنای واقعی کلمه این فقط امریکا بود که از جنگ و اختلافات و درگیری ها بهره برد .

از سوی دیگر، چین می خواهد از راه های دیگری در منطقه تجارت کند .

برای وفادار ماندن به واقعیت ها، باید به این نکته اشاره کرد که بیجینگ چهارمین تأمین کننده بزرگ تسلیحات در جهان است – اما طبق آمار Statista ، این کشور تنها ۵.۲ درصد از سهم بازار جهانی در مقایسه با سهم ۴۰ درصدی واشنگتن را به خود اختصاص داده در واقع تفاوتی نجومی که فقط روی کاغذ مقام چهارمی آن به چشم می خورد اما تجارتی کم اهمیت نسبت به غرب .

شرکت های چینی می خواهند کالاهای تجاری یا خدمات خود را بفروشند، زیرساخت های کشورها را توسعه دهند و محصولات مقرون به صرفه و قابل اعتماد بفروشند .

خلاف امریکا که جنگ و نا آرامی و بدبختی در خاورمیانه برایش موهبتی الهی است و از این طریق کار می کند، جمهوری خلق چین به یک محیط سیاسی نیازمند است که در آن صلح و آرامش و کارآفرینی و ثبات قابلیت پیش بینی و نظم ارزشمندی وجود داشته باشد .

بنابراین این به لطف دیپلماسی چین است که تا حد زیادی این انتظار به وجود آمده که به پایان تراژیدی فجیع انسانی جنگ یمن نزدیک می شویم.

خلاف آنچه واشنگتن درباره به اصطلاح «نظم بین المللی مبتنی بر قوانین» اعلام می کند، نظمی که ظاهراً هیچ کس واقعاً نمی تواند آن را توضیح دهد، بیجینگ به وضعیت موجود پس از جنگ جهانی دوم معتقد است: به حقوق بین الملل، به سازمان ملل متحد، به حاکمیت و دیپلماسی .

و درست به همین دلیل است که تعداد فزاینده ای از مقامات ارشد اروپائی، از جمله رئیس جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه است، معتقدند چین نیز می تواند به حل و فصل مناقشه اوکراین کمک کند .